



جوان و جوانی از منظر قرآن کریم

## دوران قدرت، زیبایی و شجاعت

محمدجعفرمزنبنانی

**جوانی دوره‌ای پر فراز و نشیب است؛** دوره‌ای که در آن ساختار و شالوده اصلی انسان شکل می‌گیرد و به تبع آن نقشی که در بزرگسالی به عهده خواهد گرفت، مشخص می‌شود. شناخت این دوره برای دو گروه مهم است: گروه نخست خود جوانان هستند که با شناخت ویژگی‌های فردی خود، بر توانایی‌های خود آگاهی و تسلط پیدا می‌کنند و گروه دوم کسانی هستند که برای استفاده از توانایی‌های ایشان برنامه‌ریزی می‌کنند. اما این شناخت جوان و دوره جوانی به ابزار و معیارهای مناسب هم نیاز دارد که بدون آنها نمی‌توان تسلط درستی به موضوع مطالعه پیدا کرد. بی‌تردید کامل‌ترین معیارها و ابزارها، معیارهایی است که از سوی منبعی نزدیک‌تر به خالق هر پدیده ارائه شده باشد و اگر خود خالق چنین شناختی را به دست بدهد، از هر چیزی به حقیقت نزدیک‌تر است. قرآن در اصل چنین شناختی را نسبت به هر پدیده‌ای در جهان هستی ارائه می‌کند؛ منبعی که مستقیماً از سوی خالق هستی و از زبان نبی مورد اعتماد و بدون خطا در نقل، به دست ما رسیده است و بهترین نقطه شروع برای شناخت جوان و توانایی‌های آن به شمار می‌رود.

### تبار

#### ♦ جوان در لفظ

از الفاظ مختص یا غیرمختص در قرآن کریم نمی‌توان به یک معنا یا یک مفهوم که مورد قبول تعالیم دینی است دست یافت. بنابراین در فهم معنای این لغات در قرآن باید به عرف اهل زبان یا فرهنگ یا فرهنگنامه‌های لغت مراجعه کرد. در قرآن کریم در آیات متعددی در باب دوران عمر انسان سخن گفته شده است؛ «هو الذی خلقکم من تراب ثم من علقه ثم یخر جکم طفلاً ثم لتبلغوا اشدکم ثم لتکونوا شیوخاً»<sup>(۱)</sup>، «و... ثم من علقه ثم من مضغه... ثم یخر جکم طفلاً ثم لتبلغوا اشدکم و منکم من یتوفی و منکم من یرد الی ارذل العمر...»<sup>(۲)</sup>.

این دو آیه صریحاً دوره‌های حیات آدمی را به تصویر می‌کشند: دوره قبل از جنینی (خاک و نطفه)، دوره جنینی (علقه و مضغه)، دوران طفولیت، دوران بلغ اشد، دوران شیوخیت و ارذل العمر. قدر مسلم دوران بلغ اشد که حد فاصل شیوخیت و طفولیت است، ناظر به دوران جوانی است و اگر بتوان معنای آن را در آیات قرآن به دست آورد، به مفهوم جوانی از نگاه قرآن نزدیک شده‌ایم. آیات دیگری از قرآن دارای عبارت بلغ اشد است.<sup>(۳)</sup> از ظاهر آیات قرآن چیزی در باب حدود و ثغور دوران بلغ اشد به دست نمی‌آید، مگر آنکه آن را بعد از بلغ الحلم دانسته و نهایتاً مطابق آیه آخر تا مرز ۴۰ سالگی امتداد دهیم. تفاسیر در این باب هم اختلاف کرده‌اند.

#### ♦ آغاز و پایان جوانی

در اینکه رسیدن به شدت و قوّت بیانگر مرحله‌ای از عمر انسان است که بین دوره کودکی و پیری قرار دارد، تردیدی نیست اما در رابطه با زمان آغاز، پایان و امتداد این مقطع سنی، اختلاف نظر جدی میان پژوهشگران حوزه لغت، تفسیر، فقه و روان‌شناسی وجود دارد. به عنوان نمونه، جوانی از زمان بلوغ شروع می‌شود و تا ۲۰ سالگی ادامه دارد<sup>(۴)</sup> از ۳۰سالگی آغاز می‌شود و تا ۴۰ سالگی ادامه دارد؛ از ۱۷ سالگی آغاز می‌شود و تا ۴۰سالگی تکوام می‌یابد<sup>(۵)</sup> از ۱۸ سالگی آغاز می‌شود و تا ۳۰ سالگی استمرار دارد؛ انسان در ۲۵سالگی به نیرومندی می‌رسد.<sup>(۶)</sup>

حد و مرزی برای رسیدن به نیرومندی «بلغ اشده» وجود ندارد. معیار بلوغ، کمال عقل و داشتن رشد است و با کنار هم قرار گرفتن عقل، توانایی و کمال آفرینش، نیرومندی به وجود می‌آید<sup>(۷)</sup> «استفاده از واژه «قوه» و «ضعف» به صورت نکره به قصد ابهام‌افکنی و نامعین جلوه دادن کمیت این مقطع، صورت گرفته است، زیرا افراد در زمان‌های مختلف به قوت و نیرومندی می‌رسند.»<sup>(۸)</sup>

دیدگاه قرآن در این باره چیست؟ به کارگیری واژه «ثم» در آیات قرآن<sup>(۱۰)</sup> به عنوان حرف ربط که افاده ترتیب و تأخیر دارد، بی‌تردید گویای این حقیقت است که ضعف و ناتوانی با یک فاصله زمانی، آغاز و تدریجاً جایگزین قوت و شدت می‌شود. قرآن وقتی به یتیم اجازه تصرف در مالش را می‌دهد که به شدّت و نیرومندی رسیده باشد و نیرومندی را به بلوغ و رسیدن به رشد تفسیر می‌کند؛ «و به مال یتیم جز به بهترین صورت نزدیک نشوید تا به حد اشد خود برسد»<sup>(۱۱)</sup>، «یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید. اگر در آنها رشد یافتید، اموالشان را به آنها بدهید.»<sup>(۱۲)</sup>

#### نکته

#### این شور

#### الهی است

جوان به چیزی که نمی‌اندیشد، مصلحت‌هاست و از این رو

بی‌محابا جانش را در خطر می‌افکند. شور و شادابی و گرایش فطری و غریزی به احساس و عواطف، وی را به سوی تهور و شجاعت پیش می‌برد. این گونه است که محافظه‌کاری را کناری می‌نهد زیرا در این دوره که آغازین سال‌های رشد عقل و عقل‌گرایی است، عاطفه و احساس به اوج خود و به کمال لایق خود رسیده است؛ از این رو جوان توجه و نظری به عقل چنان که باید و شاید ندارد.

دستور به آزمایش هنگام رسیدن به بلوغ، برای فهم رسیدن به مرحله رشد دو نکته را در خود نهفته دارد: یکی امکان پیدایش هم‌زمان بلوغ و رشد و دیگر امکان پیدایش رشد با فاصله‌ای بعد از زمان بلوغ. به عبارت‌سی، اینکه بلوغ معیار تکلیف شناخته شده، با اینکه خرد و خردورزی از شرایط تکلیف است، می‌تواند دلیل بر این باشد که بلوغ، نوعاً با رشد و خردورزی همراه است یا می‌تواند همراه باشد.

خرد جوان از آزادگی و ویژه‌ای برخوردار است و هنوز آلایش عادت‌ها، دلبستگی‌های مادی و زمینی، باورهای سنتی نبایسته و... دامنگیر آن نشده است. اگر کمبودی دارد کمبود تجربه و آگاهی است که می‌تواند توسط بزرگترها جبران شود. به همین دلیل علی<sup>(۲)</sup> در خطاب به یکی از کارگزارانش می‌فرماید: «هر گاه کاری برایت پیش آمد و نیاز به مشورت پیدا کردی، در آغاز آن را با جوانان در میان گذار، زیرا آنها تیزفهم‌تر و با فراسمت‌ترند سپس آن را در معرض نظر سالخوردگان و پیران قرار ده تا در معرض ارزیابی قرار دهند، چه آنکه تجربه ایشان بیشتر است»<sup>(۳)</sup>.

از تقارن و انضمام ۴۰ سالگی به زمان بلوغ قدرت در آیه ۱۵سوره احقاف به عنوان مقطع آرمان‌خواهی انسان، می‌توان الهام گرفت که ۴۰ سالگی نهایت مرز قدرتمندی اوست، چنان‌که در روایتی از امام صادق<sup>(۴)</sup> آمده است: «هر گاه بنده به ۲۳ سالگی رسید، به شدّت و نیرومندی خود دست یافته است و هر گاه به ۴۰ سالگی قدم گذاشت، نهایت دوره قدرتش را تجربه می‌کند. زمانی که به منزل ۴۱سالگی بار انداخت، رو به نقصان می‌گذارد»<sup>(۵)</sup>. بنابراین، سخن ابن‌منظور پذیرفتنی می‌نماید، آنجا که می‌گوید: «بلوغ نیرومندی، از آغاز و انجام محدوداست اما وسط آن حد ندارد»<sup>(۶)</sup>.

بنابراین نیرومندی مورد نظر قرآن، پیش از بلوغ و پس از ۴۰سالگی میسر نیست ولی ممکن است دیرتر از بلوغ جنسی حاصل آید و زودتر از ۴۰ سالگی رو به افول گذارد؛ واقعیتی که می‌تواند اختلاف روایات<sup>(۴)</sup> را در باب زمان پیدایش قدرت جوانی توجیه کند و راز تعبیر «الحدث» در مورد امام حسن<sup>(۲)</sup> ۲۳ ساله در کلام امام علی<sup>(۲)</sup> را نیز آشکار کند، آنجا که فرمود: «همانا دل جوان، مانند زمین آماده‌ای است که هر آنچه در آن کاشته شود، می‌پذیرد. بر این مینا، پیش از آنکه دلت سخت گردد و خردت به بند کشیده شود، به تربیتت برخاستم.»<sup>(۱۷)</sup>

#### ♦ دوران جوانی از دیدگاه قرآن

از دیدگاه قرآن دوره جوانی دوران قدرت، زیبایی، شجاعت، تهور و بی‌باکی انسان است. قرآن با اشاره به زندگی جوانانی چون حضرت ابراهیم<sup>(۲)</sup>، اسماعیل<sup>(۲)</sup>، اصحاب کهف، موسی<sup>(۲)</sup>، مریم<sup>(۳)</sup> و یوسف<sup>(۲)</sup>، نمونه‌هایی از جوانان و جوانی و شیوه جوانی کردن را به انسان می‌آموزد که می‌توان با الگوبرداری از آنان، جوانی را بر پایه آموزه‌های قرآنی و کمالی آن به سرآورد.<sup>(۱۸)</sup>

#### ♦ رشد جسمی

در این دوره از زندگی، جسم و جان آدمی به کمال می‌رسد. قرآن کریم از دوره جوانی به دوره «شدّت» و «قوت» تعبیر می‌کند؛ دوره‌ای که از دو طرف در محاصره ضعف و ناتوانی است و در آن، تمایل به آرمان‌ها و آرزوهای ارزشمند و ارج‌گذاری به حقوق والدین تجلی می‌یابد. قرآن می‌فرماید: «خدا شما را آفرید، در حالی که ضعیف بودید، سپس بعد از ناتوانی قوت بخشید. پس از آن ضعف و پیری قرار داد. او هر چه بخواهد، می‌آفریند و دانا و تواناست.»<sup>(۱۹)</sup> خداوند در آیات دیگری هم می‌فرماید: «ابتدا طفل بودید، سپس خداوند به



## خارج از متن

## در جست‌وجوی زیبایی

### جوان به‌خاطر مسائل

*عاطفی و روانی می‌کوشد*

*خود را در لباس و جمال*

*بیاراید. بنابراین توجه فطری*

*و غریزی به خود آرایی در*

*جوانان امری عادی تلقی*

*می‌شود. امام علی<sup>(ع)</sup> وقتی*

*با غلام جوانشان، قنبر به*

*بازار می‌روند و دو پیراهن*

*می‌خرند، بهترین پیراهن*

*را به غلام می‌دهند، برای*

*اینکه او جوان است و شور*

*و نشاط دارد، با اینکه امام،*

*و قنبر غلام ایشان، این*

*نشان دهنده این است که*

*جوان حتی در تعالیم اسلام*

*با ید زیبا و خوب بیوشد اما*

*باید اعتدال داشته باشد.*

*احساس نوگرایی و نشاط*

*جوانی نباید به خودباختگی*

*فرهنگی سوق پیدا کند*

*بلکه جوان باید در کنار*

*شور و نشاط، هویت ملی و*

*فرهنگی خود را حفظ کند*

شما شدت و نیرومندی بخشید»،<sup>(۳۰)</sup> یا «تا زمانی که به کمال

قدرت و رشد برسید»<sup>(۳۱)</sup> و به ۴۰ سالگی بگذارد.»<sup>(۳۲)</sup>

امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «هر گاه بنده به ۳۳ سالگی رسد، به شدت و نیرومندی خود رسیده است و هر گاه به ۴۰ سالگی قدم گذاشت، نهایت دوره قدرتش را تجربه می‌کند و انتهای این دوره نقطه آغازین نزول انسانی است.»<sup>(۳۳)</sup>

### ◆ رشد عقلی

جسم و جان جوان در یک حرکت همه جانبه، پیوسته رو به رشد است. در پیکر پر رمز و راز جوانان هر لحظه تحولی عظیم صورت می‌گیرد. نیروی عقل جوان، هر روز و هر شب در جایگاه متکامل تری قرار می‌گیرد و عقل و خردش به نهایت خود دست می‌یابد و این تحول مبارک و پربرکت تا نهایت سنین جوانی ادامه دارد و در واقع یکی از شاخصه‌های جوانی، وجود همین مسیر تکاملی اوست. امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «انسان تا ۲۸سالگی در حال تکامل است و رشد عقلی انسان در ۳۵ سالگی به حد کمال می‌رسد و پس از آن هر گونه رشد دیگری که باشد بر اثر تجربه است»<sup>(۳۴)</sup> در روایتی نیز آمده است: تعدادی از مفسران نیز ذیل آیه ۵۴ سوره روم، در بیان معنای قوت می‌گویند مقصود توان اندامی، روحی، عقلی و علم‌آموزی است.<sup>(۳۵)</sup>

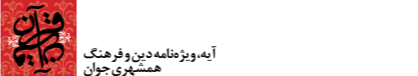
### ◆ نیروی جوانی

قرآن نمی‌گوید در فصل جوانی، انسان دارای قدرت و قوت است بلکه می‌گوید که جوان چیزی جز قوت نیست و قوت در قرآن، اختصاص به توان جسمی ندارد و شامل نیرومندی روحی نیز می‌شود. به همین دلیل قرآن و در توضیح ضعف و نقصان پیری، زوال توان علم آموزی و حفظ علم را به عنوان مصداق آن دو مطرح می‌کند.<sup>(۳۶)</sup> واقعیت این است که توان جسمی با بلوغ به رشد نهایی نمی‌رسد تا تعبیر قوت را توجیه کند. آنچه در این مقطع فعالیت دارد، خستگی‌ناپذیری در برابر فعالیت جسمی‌ای است که خود منشأ روان‌شناختی دارد. خستگی‌ناپذیری تا سال‌ها ادامه دارد و از داشته‌های ارزشمند انسان به حساب می‌آید.

بنابر این نیرومندی جوان را باید در شخصیت انسانی او جست‌وجو کرد که «بر ساختار کلی روان‌شناختی فرد دلالت دارد و خوی (تمایلات عاطفی فطری)، منش، هوش، حساسیت‌ها، گرایش‌ها، علایق، عقاید، آرزوها و آرمان‌های او را در بر می‌گیرد. تمایلات و نحوه برخورد با آنها، نشان دهنده شخصیت فرد هستند»<sup>(۳۷)</sup> جوان در گذشته، کودکی بود که با آمیزه متشکل از جسم، روح و فطرت به‌دنیا یعنی محیط خانواده، هسته‌ای مرکب از پدر و مادر، قدم گذاشت تا فطرتش در بستر آن شکوفا شود یا گردوغبار آلاینده بر آن بنشیند. در روایتی از پیامبر<sup>(ص)</sup> آمده است: «هر کودکی با فطرت توحیدی به دنیا می‌آید. این پدر و مادرش است که او را یهودی یا نصرانی بار آورد»<sup>(۳۸)</sup>

### ◆ رشد احساسی و عاطفی

خصوصیاتی که قرآن برای دوره جوانی بیان می‌کند نشان می‌دهد که در این دوره برخی از خصوصیات آدمی به کمال خود می‌رسد. این خصوصیات در دو جنبه جسمی و روانی است. به یک معنا انسان در این دوره از جهت جسم کامل می‌شود و آنچه شایسته قوا و نیروهای غریزی و جسمی است به بلوغ و نهایت کمال خود می‌رسند، چنان‌که برخی از حالات روانی و عاطفی و احساسی نیز در این دوره تشدید شده و کامل می‌شود. جوان اسیر احساس است، اهل اخلاق و انسانیت است،



آیه،وزننامه دین و فرهنگ همنشهری جوان

معنی محبت‌را می‌فهمد؛ زود تحت تأثیر قرار می‌گیرد و عرض محبت‌ها و اخلاص‌های دیگران را راست و درست می‌پندارد. در داستان حضرت یوسف<sup>(ع)</sup> که برادرانش او را به چاه انداختند و بعد... بردگی... زمانی که عزیز مصر شد و برادرانش برای تهیه ارزاق به مصر رفتند و بعد که او را شناختند، گفتند: آیا تو یوسف<sup>(ع)</sup> هستی؟<sup>(۳۹)</sup> گفت: بله، برادران از کرده خود پشیمان شدند و عذر خواهی کردند و تقاضای بخشش کردند. حضرت یوسف<sup>(ع)</sup> که جوان و از عاطفه قوی‌ای برخوردار بود، گفت امروز شما را بخشیدم<sup>(۴۰)</sup> اما حضرت یعقوب<sup>(ع)</sup> که جوان نبود، پس از در چاه انداختن حضرت یوسف وقتی فرزندان از او عذر خواهی کردند و گفتند ما را ببخش، فرمودند<sup>(۴۱)</sup> من در آینده برای شما استغفار می‌کنم.

امام صادق<sup>(ع)</sup> در رابطه با تفاوت برخورد حضرت یعقوب و حضرت یوسف با برادرانش پس از ندامت و طلب استغفار و اینکه یوسف بی‌درنگ از خود گذشت نشان داد و یعقوب تنها وعده داد که در آینده برای آنها طلب مغفرت خواهد کرد، فرمود: «به‌آن دلیل

### ◆

همه جوانان الگوهای

خود را از نظر پندار،

رفتار و گفتار، سرمشق

خود قرار می‌دهند.

این روش آنچنان

اهمیت دارد که قرآن

بر الگوگیری‌های

ناشایست مهر بطلان

نهاد و تمام مسلمانان

را به الگوگیری از

پیامبرخدا فرا خواند

### ◆

همه جوانان الگوهای

خود را از نظر پندار،

رفتار و گفتار، سرمشق

خود قرار می‌دهند.

این روش آنچنان

اهمیت دارد و حتی

سرنوشت‌ساز است که معیارها، انگیزه‌ها و شیوه‌های اسوه‌شناسی و الگوشناسی و الگویابی نیز در معارف مانهفته است. قدرت طلبان در همیشه تاریخ با استفاده از نیرنگ و شواع‌های فریبنده به استعمار نیروی جوان پرداخته‌اند. این نوع از غارتگری همچنان تداوم دارد. به‌این ترتیب هزینه‌ای که جوانان به دلیل اشتباه در انتخاب الگو، به پای اهداف باطل سیاسی و اقتصادی کرده و می‌کنند، بسیار سنگین و تأسف‌بار است.

قرآن بر الگوگیری‌های ناشایست مهر بطلان نهاد و تمام مسلمانان را –عم از جوانان و بزرگسالان – به الگوگیری از

پیامبر خدا فرا خواند.<sup>(۴۲)</sup>

### ◆ حق طلبی و فضیلت خواهی

جوانان بر اساس فطرت پاک انسانی به ندای حق و فضایل اخلاقی گرایش دارند و همیشه خواستار جهانی هستند که حق و فضیلت انسانی در آن حاکم باشد. جوانان تا زمانی که روح پاکشان به گناهان آلوده نشده است، همواره در پی رسیدن به فضایل انسانی‌اند و برای رسیدن به حق تلاش می‌کند و سختی‌ها برای رسیدن به حق برای او معنا ندارد، زیرا هدفش فقط رسیدن به حق است. طبق فرمایش امام‌علی<sup>(ع)</sup>، آن کس که مطلوب و مقصودش حق باشد، سختی بر او آسان می‌شود و دور برای او نزدیک می‌شود.<sup>(۴۳)</sup>

قرآن درباره ایمان آورندگان به حضرت موسی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «در آغاز هیچ کس به موسی ایمان نیاورد، مگر گروهی از فرزندان قوم او، در حالی‌که از فرعون و اطرافیانش می‌ترسیدند که مبادا آنان را تحت شکنجه قرار دهد»<sup>(۴۴)</sup>.

### ◆

جوانان بر اساس فطرت

پاک انسانی، تا زمانی‌که

روح پاکشان به گناهان

آلوده نشده، همواره در

پی رسیدن به فضایل

انسانی‌اند و برای

رسیدن به حق تلاش

می‌کند و سختی‌ها برای

رسیدن به حق برای او

معنا ندارد، زیرا هدفش

فقط رسیدن به حق است

### ◆

با بزرگسالی که در سن بزرگی به بندگی پرداخته است، مانند برتری پیامبران بر دیگر انسان‌هاست»<sup>(۴۷)</sup> همچنین می‌فرمایند: «همانا خداوند دوست می‌دارد جوانی را که جوانی خود را در مسیر اطاعت او به مصرف می‌رساند»<sup>(۴۸)</sup> و نیز «همانا خداوند به جوانی که بندگی را پیشه خود ساخته است، بر فرشتگان افتخار می‌کند و می‌گوید نگاه کنید به بنده‌ام که برای رضای من، به شهوتش پشت پا زده است»<sup>(۴۹)</sup> و می‌فرمایند: «هر جوانی که خود را در راه اطاعت خداوند به پیری رساند و دنیا و کارهای بیهوده آن را برای رضای او کنار گذارد، خداوند پاداش هفتاد و دو صدیق را به او می‌دهد»<sup>(۴۰)</sup>.

### ◆ شور جوانی

جوانان دارای شور و نشاط ویژه، هیجان پر قدرت، آتشین و آمیخته با زمینه‌های آسیب‌پذیری هستند که شانس خردمداری‌را شدیداً کاهش می‌دهد. با توجه به چنین واقعیتی پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمود: «جوانی نوعی از دیوانگی است.»<sup>(۴۱)</sup> به روایتی امام علی<sup>(ع)</sup> فرمود: «شایسته است عاقل در برابر مستی ناشی از ثروت، قدرت، علم، ستایش و جوانی، به‌حراست و نگرهبانی از خود بپردازد، زیرا هر کدام از آنها، بادی دارد که عقل را زایل و بزرگواری را به سبکی و دیوانگی می‌کشد.» افلاطون شور جوانی را «مستی روحی» نامید.<sup>(۴۲)</sup>

خداوند در آیاتی از قرآن به جوانانی اشاره می‌کند که برخلاف مصلحت‌سنجی‌های معمول عمل می‌کردند. سخن از اصحاب کهف‌است که جوانان شجاعی بودند که وقتی به‌حقانیتی دست یافتند آن را آشکارا و بی‌محابا بدون هیچ مصلحت‌سنجی‌ای بیان کردند و سر در این راه نهادند یا سخن از ابراهیمی است که به شناخت دست یافته است و بی‌محابا به جان بتان بی‌جان می‌افتد و آتش نمرودیان را به جان می‌خرد.<sup>(۴۳)</sup>

### ◆ قدرت فراگیری

جوان به دلیل هوش سرشاری که دارد از توانایی خوبی برای فراگیری برخوردار است. بنا بر روایات باید از این فرصت‌ها به خوبی استفاده کرد. پیامبر گرامی اسلام<sup>(ع)</sup> به اباذر می‌فرماید: «پنج چیز را قبل از دست دادن، غنیمت شمار. اولین آن جوانی است قبل از فرار رسیدن پیری»<sup>(۴۴)</sup>

امام کاظم<sup>(ع)</sup> از پیامبر گرامی اسلام<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند، پیامبر فرمود: «کسی که در جوانی چیزی را بیاموزد و به ذهن بسپارد همانند نقشی که بر سنگ کنده شده باشد، مستقر و پا بر جا خواهد ماند»<sup>(۴۵)</sup> امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «همانا دل جوانان همانند زمین آماده است که هر آنچه در آن کاشته شود، می‌پذیرد. به همین دلیل پیش از آن که دلت قساوت گیرد و خردت به بند کشیده شود به تربیت‌ات پرداختم»<sup>(۴۶)</sup> امام صادق<sup>(ع)</sup> کسی را برای تبلیغ فرستاد. پس از برگشتن، جوانان همانند زمین آماده است که هر آنچه در آن کاشته شود، می‌پذیرد. امام<sup>(ع)</sup> فرمودند: «باید به سراغ جوانان بروی، زیرا آنها با شتاب بیشتر به هر امر خیری رو می‌آورند»<sup>(۴۷)</sup>

خدا خواهی و انتخاب رضای خداوند به عنوان اساسی ترین هدف زندگی، تنها وسیله‌ای است برای اشباع بلند پروازی‌ها، آرمان‌گرایی‌ها و پاکی طلبی‌های جوانان. در سایه پرستش و بندگی خداوند، انگیزه اطاعت در تمامی عرصه‌های زندگی قابل‌گسترش است. اخلاق خدایی، پدید می‌آید، آرمان‌های خدا پسندانه جا می‌افتد، آزادی معنوی و اجتماعی، تأمین و زمینه روحی دشوارترین فداکاری‌ها فراهم می‌شود. بر این اساس، عبادت جوان با ارزش‌ترین عبادت‌ها تلقی شده است. پیامبر<sup>(ص)</sup> طبق روایاتی می‌فرماید: «فضیلت و برتری جوانی که در نوجوانی به عبادت خدا روی آورده است، در مقایسه

می‌نوشته‌ها:

۱-سوره غافر (۴۰)، آیه ۶۷

۲-سوره حج (۲۲)، آیه ۵

۳-آیه ۸۲سوره انعام و آیه ۱۲۳سوره اسراء،

۱۴-سوره قصص، آیه ۱۵سوره يوسف، آیه

۴- «صحيح مسلم بشرح النووي» ج ۹، ص ۱۷۳.

۵- «لسان العرب» کلمه شد

۶- «مصبح السبلان» ج ۳، ص ۳۸۴.

۷- همان، ج ۷-۸، ص ۷۱

۸- «المیزان فی تفسیر القرآن» ج ۱۶، ص ۲۰۵.

۹- «حسان، جامعه جوانان» ص ۵۰-۵۲، (۳۲)، آیه ۵

۱۰-سوره اسراء (۱۷)، آیه ۲۴،سوره انعام

۱۱-سوره سده (۴)، آیه ۶

۱۲- «شرح نیج البلاغه» ج ۳، ص ۲۳۷.

۱۳- «لسان العرب» ص ۵۴۵.

۱۴- «تفسیر نور العین» ج ۳، ص ۲۲۶.

۱۵- «صیغ البلاغه» ج ۴، ص ۱۱۷.

۱۶-سوره انبیا(۲۱)، نمله ۳، قسمت چهارم،

آیه ۱۰۱ و آیه ۱۰۲، تہف(۱۸)، آیه ۱۳، قصص

(۱۲)، آیه ۲۲، آل عمران(۳)، آیه ۳۷، یوسف

۱۹-سوره روم (۳۰)، آیه ۵۴.

۲۰-سوره حج (۲۲)، آیه ۵.

۲۱-سوره غافر (۴۰)، آیه ۶۷.

۲۲-سوره احقاف (۴۶)، آیه ۱۵.

۲۳- «مستدرک الوسائل» ص ۵۵.

۲۴- «حق طلال القرآن» ج ۲، ص ۶۲۵

۲۵- «تفسیر نمونه» ج ۱۶، ص ۴۷۹

۲۶-سوره نحل (۱۶)، آیه ۷۰، «تکلیلا یعلم من بعد علم شیئا»

۲۷- «چه چیز به زندگی ارزش می‌بخشد».

۲۸- «صحيح بخاری» ج ۲، ص ۱۰۴.

۲۹-سوره يوسف (۱۲)، آیه ۹۰.

۳۰- همان، آیه ۹۲.

۳۱- «سفینه البحار» ج ۷، ص ۳۴۳.

۳۲-سوره احزاب (۳۳)، آیه ۲۱،سوره

ممتحنه (۶۰)، آیه ۶

۳۳- همان.

۳۴- «عیون الحكم والمواعظ» ص ۴۴۴.

۳۵- «کنز العمال» ج ۱۵، آیه ۸۲.

۳۶- «میزان الحکمه» ج ۱۵، ص ۱۷۶.

۳۷- «کنز العمال» ج ۱۵، ص ۱۷۶.

۳۸- همان.

۳۹- «بحار الانوار» ج ۷۴، ص ۸۴

۴۰- همان، ص ۱۶۵، «میزان الحکمه» ج

۴۱- «مستدرک الوسائل» ج ۱۱، ص ۳۷۱

۴۲- «کنز العمال» ج ۱۰، آیه ۸۲،سوره کهف

۴۳- «میزان الحکمه» ج ۱۵، آیه ۸۲،سوره کهف

۴۴- «وسائل الشیعه» ج ۱، ص ۱۴.

۴۵- «بحار الانوار» ج ۱، ص ۲۲۳.

۴۶- «صیغ البلاغه» نمله ۳۱.

۴۷- «وسائل الشیعه» ج ۱، ص ۱۴.

۴۸- همان، ج ۷، ص ۳۰۵.

۴۹- «تاریخ یعقوبی» ترجمه محمد ابراهیم

ایشی، ج ۲، ص ۱۲۳.

۵۰- «شرح نیج البلاغه» ج ۲، ص ۳۳۳.